

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»

۱۰ اکتوبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد - ۲۴

ترجمه و تفسیر سوره القارعه- ۴

حکم پیشگونی در مورد وقوع قیامت:

مردم درباره زمان فرا رسیدن قیامت به کثرت سؤال می‌کردند و اغلب از شخص رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌پرسیدند. پاسخ این سؤال از جانب خداوند متعال چنین آمده که: «يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عُلِّمَهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا» (سوره الأحزاب: ۶۳) (ای پیغمبر!) مردم از تو درباره فرا رسیدن قیامت می‌پرسند، بگو: آگاهی از آن، اختصاص به خدا دارد و بس. (و کسی جز او از این موضوع مطلع نیست). تو چه می‌دانی، شاید هم فرا رسیدن قیامت نزدیک باشد).

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا * فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا * إِلَى رَبِّكَ مُنتَهَاهَا» (النازعات: ۴۲ - ۴۴) (از تو درباره قیامت می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود؟ تو را چه آگهی و خبر از آن؟! (تو چیزی از آن نمی‌دانی) آگاهی از زمان قیامت، به پروردگارت واگذار می‌گردد (و اطلاع از وقوع آن کار پروردگار تو است؛ نه تو) خداوند این علم را به هیچ فرشته مقرب یا نبی مرسل نداده است، به همین خاطر پیامبر صلی الله علیه وسلم در پاسخ به سؤال جبرئیل مبنی بر تاریخ وقوع قیامت فرمود: در این مورد مسؤول از سائل آگاه تر نیست. بنابراین هرگونه بحث و گفت و گو در این خصوص و هر سخنی دایر بر این که قیامت در فلان سال به وقوع می‌پیوندد، نوعی دروغ پردازی بر خداوند متعال است و کسانی که در این زمینه به نظریه پردازی و مباحثه می‌پردازند، در واقع با منهج قرآنی و منش نبوی که مردم را به ترک اینگونه مطالب هدایت می‌کنند، مخالفت می‌ورزند و خدا و پیامبر با ایمان و عمل صالح انسان را برای آمادگی به چنین روزی فقط دعوت می‌کنند و بس. کسانی که در این زمینه سخن می‌گویند، فکر می‌کنند می‌توانند آنچه را که رسول الله صلی الله علیه وسلم و جبرئیل ندانسته‌اند، درک کنند! برای کسانی که قلب سلیم دارند و حرف‌های خداوند را گوش می‌کنند، باید از این سخن عبرت بیاموزند و از سخن گفتن در زمینه تعیین تاریخ وقوع قیامت دست بردارند و ما هم از سر خیر خواهی و نصیحت خطاب به آنها می‌گوئیم: باید به اندازه پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب و بزرگان دین در این مورد بحث و گفت و

گو کنیم، اگر در شناختن تاریخ وقوع قیامت نفع و سودی برای بشر وجود می‌داشت، قطعاً خداوند بشر را از آن آگاه می‌ساخت، اما خداوند این علم را به خاطر مصلحتی که در نظر دارد، از بشر پنهان کرده است. باید دنبال‌هروان به پیشینیان اقتداء کنند و از حال و وضعیت آنها عبرت بگیرند، بعضی از گذشتگان در این زمینه بحث نموده‌اند و برای وقوع قیامت مدت یا علامات قریب الوقوعی را بیان کرده‌اند، اما اجل مشخص شده فرا رسیده، ولی هیچ گونه حادثه‌ای به وقوع نپیوسته است، از جمله این آقایان علامه طبری است، خداوند ایشان را بیامرزد. علامه طبری از برخی نصوص چنین برداشت نموده است که دنیا بعد از پانصد سال از بعثت نبوی پایان می‌پذیرد. (مقدمه ابن خلدون، صفحه: ۵۹).

و اینک حدود هزار و اندی سال از ضرب الاجل طبری می‌گذرد ولی هنوز موعد او تحقق نیافته است. از جمله دیگر این افراد علامه سیوطی است: او در کتاب خویش به نام «الکشف» می‌گوید: قیامت در آغاز قرن پنجم بعد از هزاره اول از بعثت برپا می‌شود و اینک چند سال از موعدی که مشخص کرده است، می‌گذرد ولی قیامت برپا نشده است حتی بسیاری از علامات آن نیز تحقق نیافته است. لوامع انوار البهیة: (۶۶/۲). سهیلی حروف مقطعه در اوائل سور را با حذف مکررات جمع کرده و بر اساس حساب جمل (ابجد) ضرب الاجلی را از چند صد سال پیش نسبت به وقوع قیامت مشخص کرده است. (مقدمه ابن خلدون: ۵۹۱). بسیاری از فرزندان آدم در این خصوص نظر داده و بدون دلیل به بی‌راهه رفته‌اند، همه دیدگاه‌ها حدس و گمان هستند و حقیقتی در درون خود ندارند.

آخرین اطلاعاتی که در این باره دارم از این قرار است که شخصی به نام دکتر بهائی با استفاده از آمار و ارقام ریاضی برگرفته از حروف مقطعات در اوایل سور، می‌گوید: قیامت در سال ۱۷۱۰ هجری برپا می‌شود. اما برای بی اساس بودن این نظریه باید بگویم که خطا و اشتباه این گونه محاسبات و ضرب الاجل‌ها ثابت شده است، همه آنها همین روش را اتخاذ نموده‌اند تنها در بیان علامت و مدت تعیین شده اختلاف دارند، بنا بر این هر حسابی بر همان معیار اشتباه باشد در نهایت غلط از آب در می‌آید.

علامه شیخ الاسلام ابن تیمیه کسانی را که درباره تاریخ وقوع قیامت اظهار نظر کرده‌اند، مورد انتقاد قرار داده و می‌فرماید: کلیه کسانی که درباره تاریخ وقوع قیامت سخن گفته‌اند، مانند کسی که کتابی به نام «الدر المنظم فی معرفة الاعظم» نگاشته است و با بیان ده دلیل به تاریخ دقیق برپائی قیامت اشاره نموده است یا کسانی که بر اساس حروف مقطعات و حساب ابجد، سخن گفته‌اند یا کسی که درباره «عقواء مغرب» سخن بر لب آورده است، همه اینها و امثالشان هر چند که نزد پیروان شان ارزش و اعتباری دارند، اما اغلب آنها کاذب و به دور از صداقت هستند و به دلایل متعددی برای آنها ثابت شده است که آنها بدون علم سخن گفته و می‌گویند، هر چند مدعی کشف و شناخت اسرار و رموز بوده‌اند. گفتیم اغلب، زیرا بعضی از آنان اشتبهاً وارد این بحث شده‌اند و قصد تضلیل دیگران را نداشته‌اند. مانند: طبری و سیوطی.

خداوند می‌فرماید: « قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (سوره الاعراف: ۳۳) (بگو: خداوند حرام کرده است کارهای نابهنجار (چون زنا) را، خواه آن چیزی که آشکارا انجام پذیرد و ظاهر گردد و خواه آن چیزی که پوشیده انجام گیرد و پنهان ماند و (هر نوع) بزهکاری را و ستمگری (بر مردم) را که به هیچ وجه درست نیست و این که چیزی را شریک خدا کنید بدون دلیل و برهانی که از سوی خدا مبنی بر حقانیت آن خبر در دست باشد و این که به دروغ از زبان

خدا چیزی را (درباره تحلیل و تحریم و غیره) بیان دارید که (صحت و سقم آن را) نمی‌دانید) قطعاً ادعای شناخت تاریخ وقوع قیامت ادعای بدون علم است. مجموع الفتاوی، شیخ الاسلام: (۳۴۲/۴).

قیامت و نشانه بی برکتی روز و شب:

امام بخاری در حدیث شماره ۱۰۳۶ از ابوهریره روایت می‌کند، که رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَفْبُضَ الْعِلْمُ ، وَتَكْثُرَ الزَّلَازِلُ ، وَيَتَقَارَبَ الزَّمَانُ ، وَتَظْهَرَ الْفِتْنُ ، وَيَكْثُرَ الْهَرَجُ وَهُوَ الْقَتْلُ الْقَتْلُ ، وَحَتَّى يَكْثُرَ فِيكُمْ الْمَالُ فَيَفِيضَ».

(قیامت برپا نمی‌شود تا ای نکه این علامات پدیدار گردند: از بین رفتن علم، زیاد شدن زلزله، نزدیک شدن زمان، ظاهر شدن فتنه، زیاد شدن آشوب و فتنه که همان قتل می‌باشد و زیاد شدن بیش از اندازه مالهایتان.)

و امام احمد در حدیث شماره ۱۰۲۶۰ از ابوهریره روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ ، فَتَكُونَ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ ، وَيَكُونَ الشَّهْرُ كَالْجُمُعَةِ ، وَتَكُونَ الْجُمُعَةُ كَالْيَوْمِ ، وَيَكُونَ الْيَوْمُ كَالسَّاعَةِ ، وَتَكُونَ السَّاعَةُ كَاخْتِرَاقِ السَّعْفَةِ» (تا زمان نزدیک نگردد و سال مانند ماه، ماه مانند هفته، هفته مانند روز، روز مانند ساعت و ساعت مانند آتش گرفتن شاخه‌های درخت خرما نگردد، قیامت برپا نمی‌شود.) ابن کثیر- رحمه الله- می‌فرماید: (اسناد آن به شرط مسلم صحیح است. البانی در صحیح الجامع شماره ۷۴۳۲ آن را صحیح دانسته است.)

این دو حدیث دلالت می‌کنند بر این که از نشانه‌های قیامت نزدیک شدن زمان است. علماء در معنی نزدیکی زمان اختلاف دارند و در این مورد سخن بسیار است. از بهترین این سخنان این سخن است که: نزدیک شدن زمان را بر نزدیکی حسی و نزدیکی معنوی حمل می‌کنند.

نزدیکی معنوی:

منظور از نزدیکی معنوی این است که برکت زمان از بین می‌رود. و این در دورانی آینده واقع می‌شود. این قول را قاضی عیاض، نووی و حافظ ابن حجر- رحمهم الله- اختیار کرده‌اند. نووی می‌گوید: مراد از کوتاه شدن روز، عدم برکت در آن است. مثلاً روز می‌گذرد در حالی که از آن به اندازه یک ساعت فایده می‌برند.

حافظ می‌گوید: و حق این است که مراد از بین رفتن برکت از تمام چیزها و حتی زمان است که از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت می‌باشد.

از نزدیکی معنوی همچنین می‌توان به آسانی ارتباط بین مکانهای دور و سرعت رفت و آمد بین این مسافتها که از آن به نزدیکی زمان تفسیر می‌شود، اشاره کرد. فاصله‌هایی که در گذشته در چندین ماه طی می‌شدند اغراق نیست اگر بگوئیم حالا در بیشتر از چند ساعت طول نمی‌کشد.

شیخ بن باز در تعلیق فتح الباری (۵۲۲/۲) می‌گوید: نزدیکی که در حدیث ذکر شده به نزدیکی بین شهرها و قاره‌ها و کمی مسافت به آنها به سبب اختراع هواپیماها و ماشینها و تمام چیزهایی که مانند آن هستند، تفسیر می‌شود.

نزدیکی حسی:

منظور از نزدیکی حسی این است که زمان به صورت محسوس کوتاه می شود. ساعات شب و روز به سرعت می گذرند و بین گذشت این ساعت ها فاصله پیدا نمی شود، و واقع شدن آن امری غیر ممکن نیست. برای تأیید آن به زمان دجال می توان اشاره کرد که در آن روز به اندازه سال، ماه و هفته طول می کشد. در نتیجه همانگونه که ایام طولانی می گردند، کوتاه نیز می شوند که آن به خاطر اختلال در نظام عالم و نزدیک شدن پایان دنیا است. حافظ در الفتح از ابن ابی جمره نقل می کند که گفت: «مراد از نزدیک شدن زمان در حدیث «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ» ، به کوتاه شدن آن اشاره دارد. با این حساب پس کوتاه شدن باید حسی باشد و بر معنای معنوی نیز حمل می گردد.

اما در حسی فاصله منظور نمی باشد و شاید آن از اموری باشد که باعث نزدیک شدن قیامت می گردد. اما از نظر معنوی پس برای آن مدت و فاصله منظور می باشد که علماء دینی آن را می دانند و اهل دنیا نیز اگر زیرک و عاقل باشند آن را خواهند دانست که ایشان نمی توانند مانند گذشته کارهای بزرگی را که انجام می دادند، انجام دهند. به خاطر آن دچار شك و تردید می شوند ولی علت آن را نمی توانند درک کنند. شاید علت آن به سبب ضعف ایمان باشد که به آشکار نمودن بیش از حد کارهای خلاف شرع می پردازند. و شدیدتر از آن خوراکیهایی است که در آن شکی و شبهه ای وجود ندارد که حرام می باشند و بسیاری از مردم کاری به حلال و حرم آن ندارند و در به دست آوردن آن تمام تلاش خود را به کار می گیرند و عقل خویش را به کار نمی گیرند. نتیجه و ماحصل بحث این می شود که برکت در زمان ، روزی و در گیاهان به خاطر ایمان قوی و تبعیت از اوامر خداوند و دوری از نواهی او می باشد و دلیل بر این مدعا قول الله تعالی می باشد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» «اگر اهل قریه ای ایمان بیاورند و تقوی خدا داشته باشند برکات آسمان و زمین را بر ایشان می گشائیم»

و سیوطی در الحاوی للفتاوی (۴۴/۱) در باره معنی این حدیث که ذکر شد این طور گفته است: «گفته شده منظور از آن کوتاه شدن به صورت حسی می باشد. ساعات شب و روز نزدیک برپا شدن قیامت کوتاه می شوند و گفته شده به صورت معنوی می باشد که مراد از آن به سرعت گذر کردن زمان و از بین رفتن برکت از تمام چیزها حتی زمان است... و قولهای دیگری نیز در این باره وجود دارد. و الله اعلم».

این سه قول از بین رفتن برکت، سهولت ارتباط و نزدیک شدن به صورت حسی، بینشان تعارضی نیست و مانعی بر این که حدیث بر همه آنها دلالت کند، وجود ندارد. سخنان دیگری نیز در باره زمان گفته اند که درجه قوت آنها به مانند آنچه ذکر شد، نیست.

از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

خطابی گفته که منظور از آن لذت بردن از زندگی است. حافظ از زبان او نقل می کند که می گوید: می خواهد آن را زمان خروج مهدی- الله اعلم- که راستی در زمین پدیدار می شود، عدل پیروز می گردد و مردم از زندگی لذت می برند و مدت آن کوتاه می باشد، پدید آورد و ایام خوش مردم در زمان کوتاهی سپری می شود که اگر مدت آن به درازا کشد و طولانی شود، مکروه و ناپسند می گردد در نتیجه مدت آن کوتاه می باشد. سپس حافظ می گوید: می گویم که خطابی در آنچه ذکر کرده به سوی تأویل رفته است. زیرا در زمان نقصان پدید نمی آید و گر نه کسی که حدیث را ضمانت کرده آن را در زمان ما به وجود می آورد. در نتیجه ما از این حدیث به جای نقصان در زمان، زودگذری ایام را درک می کنیم. زیرا که زمان ما با زمان قبل از ما هیچ فرقی ندارد. و منظور از این حدیث لذت بخش بودن زندگی نیست و حق آن است که مراد از آن از بین رفتن برکت می باشد.

ابن بطال می گوید: مراد نزدیک شدن عمر انسانها به خاطر کمی عبادت می باشد تا این که به خاطر غالب بودن فسق و گناه و ظاهر شدن انسان های فاسد، کسی نیست که امر به معروف و یا نهی از منکر کند. (مراجعه شود به: فتح الباری (۲۱/۱۳) شرح حدیث رقم (۷۰۶۱) ، (إتحاف الجماعة للتویجری(۴۹۷/۱) ، (السنن الواردة فی الفتن وغوائلها والساعة وأشراطها) لأبی عمرو عثمان الدانی ، تحقیق د/ رضاء الله المبارکفوری . (أشراط الساعة) للوابل (صفحه ۱۲۰)

و این تأویل خلاف ظاهر حدیث است و این جمله به وسیله حدیث دیگری از رسول الله صلی الله علیه و سلم رد می شود که فرمودند: «السَّاعَةُ حَتَّى يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ، فَتَكُونُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ... الخ» از ظاهر آن فهمیده می شود که مراد نزدیک شدن خود زمان است نه نزدیک شدن مدت عمر انسانها.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست مطالب:

معلومات مؤجز

آشنائی با سوره

وجه تسمیه

ترجمه مختصر

تفسیر سوره

محتوای و فضیلت سوره قارعه

پیام ها

قیامت و نشانه های آن

نشانه های قیامت

نشانه های بزرگ قیامت که تا هنوز نرسیده اند

حکمت پنهان داشتن تاریخ دقیق قیامت

حکم پیشگوئی در مورد وقوع قیامت

قیامت و نشانه بی برکتی روز و شب

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از

عبد الکریم ارشد فاریابی

- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی

- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی

- تفسیر طبری - امام المفسرین

- تفسیر المیزان

- تفسیر پرتوی از قرآن

- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)

- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفهانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری